

سُرَاقَةُ بِنِ عَمْرٍو، صحابی پیامبر و نخستین فاتح باب‌الایواب. از زندگی سراقه بن عمرو آگاهی اندکی وجود دارد. درباره نسب وی اطلاعی نیست. او ملقب به ذوالنور بود (ع ابن عبدالبر، ج ۲، ص ۵۸۰؛ ابن اثیر، ۱۹۷۰-۱۹۷۳، ج ۲، ص ۳۳۰؛ ابن حجر عسقلانی، ج ۳، ص ۴۱). در سال ۲۲ هجری، عمر بن خطاب او را به فتح باب (ع باب‌الایواب) فرستاد و فرماندهان سپاه او را چنین انتخاب کرد: عبدالرحمان بن ربیع باهلی، ملقب به ذوالنور، فرمانده مقدمه سپاه؛ خدیفه بن اسید غفاری، فرمانده یک پهلوی سپاه؛ و بکترین عبدالله کثی، فرمانده پهلوی دیگر (ع طبری، ج ۴، ص ۱۵۵؛ ابن اثیر، ۱۳۹۹-۱۴۰۲، ج ۳، ص ۲۸؛ صفدی، ج ۱۵، ص ۸۳). قبل از اعزام سراقه بن عمرو، بکیر در مقابل باب اردو زده بود، به فرمان عمر به سراقه بن عمرو پیوست. عمر همچنین حبیب بن مسلمة فهری را از جزیره (در شمال عراق) برای کمک به سراقه به باب فرستاد. سراقه، پس از گذر از آذربایجان، با سپاهانش وارد باب شد. در زمان پیشروی سپاه سراقه بن عمرو، شهرتراز یا شهریار (حاکم ایرانی باب) با نوشتن نامه‌ای امان خواست و عبدالرحمان بن ربیع، فرستادگان شهربراز را نزد سراقه بن عمرو فرستاد. سراقه بن عمرو امان دادن را مشروط به پرداخت جزیه یا شرکت در جنگ به همراه سپاهیان خود کرد. شهربراز با شرکت در جنگ موافقت کرد و مقرر شد اگر کسی در جنگ شرکت نکند، جزیه بپردازد. سراقه شرح این اقدام خود را به عمر نوشت. عمر هم کار او را تأیید کرد (طبری، ج ۴، ص ۱۵۵-۱۵۶؛ ابن اثیر، ۱۳۹۹-۱۴۰۲، همانجا). بعد از پیروزی و فتح باب، سراقه امان‌نامه‌ای برای شهربراز و اهالی ارمنستان (ارمنیه) و ارمنیها نوشت و در آن جان و مال و دین مردم را محترم شمرد و در مقابل، تأکید کرد که اهالی ارمنیه و ابواب بر همان دو شرط (همراهی با مسلمانان در جنگ یا پرداخت جزیه) پایبند بمانند (طبری، ج ۴، ص ۱۵۶-۱۵۷؛ ابن عبدالبر، همانجا). بعد از تقریر متن مصالحه، سراقه بن عمرو سرداران خود را برای ادامه فتوحات به نواحی کوهستانی اطراف ارمنیه فرستاد: بکیر بن عبدالله را به موقان، حبیب بن مسلمه را به تفلیس و خدیفه بن اسید را به سوی کوه‌نشینان آلان گسیل کرد. سلمان بن ربیع باهلی نیز از فرستادگان سراقه بن عمرو بود. سراقه بن عمرو فتح باب و اعزام سرداران را در نامه‌ای به عمر اطلاع داد، اما عمر اعزام آنها را بدون ملزومات کافی به نقاط مذکور، با توجه به پهناور بودن آن ناحیه، وجود سپاهی بزرگ در آنجا و آماده بودن ایرانیان، کاری بی‌سرنجام دانست. به هر روی، به جز بکترین عبدالله، هیچ‌کدام از فرستادگان سراقه در لشکرکشی خود پیروز

نشوند. کمی پس از آنکه مردم آن ناحیه رفتار متفاوت والیان مسلمان را دیدند، سراقه بن عمرو درگذشت و عبدالرحمان بن ربیع باهلی، که سراقه او را به جای خود برگزیده بود، در باب برای مبارزه با ترکان (خزرها) مستقر شد و عمر نیز او را ابقا کرد (طبری، ج ۴، ص ۱۵۷-۱۵۸؛ ابن اثیر، ۱۳۹۹-۱۴۰۲، ج ۳، ص ۲۹؛ نیز ع باهلی، عبدالرحمان بن ربیع). یاقوت حَمَوی (ذیل «باب‌الایواب») پاره‌ای از اشعار سراقه را که پس از فتح باب سروده، نقل کرده‌است.

منابع: ابن اثیر، *اسدالغابة فی معرفة الصحابة*، چاپ محمد ابراهیم بنا و محمد احمد عاشور، قاهره، ۱۹۷۰-۱۹۷۳؛ همو، *الکامل فی التاریخ*، بیروت ۱۳۸۵-۱۳۸۶ / ۱۹۶۵-۱۹۶۶، چاپ اگست ۱۳۹۹-۱۴۰۲ / ۱۹۷۹-۱۹۸۲؛ ابن حجر عسقلانی، *الاصابة فی تمییز الصحابة*، چاپ علی محمد بجاری، بیروت ۱۴۱۲ / ۱۹۹۲؛ ابن عبدالبر، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، چاپ علی محمد بجاری، بیروت ۱۴۱۲ / ۱۹۹۲؛ صفدی؛ طبری، *تاریخ (بیروت)؛ یاقوت حَمَوی*.

/ توران طولابی /

سُرَاقَةُ بِنِ مَرْدَاسِ بَارِقِی، شاعر عصر اموی. نام کامل وی سراقه بن مرداس بن اسماء بن خالد باریقی آزدی است. او یعنی الاصل و منسوب به طایفه باریق از قبیله آزد بود، اما در عراق رشد یافت و همانجا سکونت کرد (ابن عساکر، ج ۲۰، ص ۱۵۶؛ صفدی، ج ۱۵، ص ۱۳۲). باریق نام کوهی در یمن است که گروهی از قبیله آزد در آنجا سکن گزیدند (ع یاقوت حَمَوی، ذیل «باریق»؛ ابن اثیر، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۰۷). سه شاعر با نام سراقه بن مرداس شناخته شده‌اند که به ترتیب زمانی عبارت‌اند از: سراقه بن مرداس، شاعر و جنگجوی جاهلی؛ سراقه بن مرداس باریقی، معروف به سراقه اکبر؛ و شاعر مورد نظر این مقاله سراقه بن مرداس باریقی، معروف به سراقه اصغر، که مشهورتر از آن دو شاعر دیگر است (ع آمدی، ص ۱۳۴-۱۳۵). بلاشیر^۱ (ج ۳، ص ۴۷۹) تولد او را حدود سال ۱۰ در کوفه ذکر کرده‌است. دیگر مورخان در این باره اظهار نظر نکرده‌اند. از زندگی و احوالات او جز اشاراتی گذرا در کتب تاریخی چیزی در دسترس نیست. زُرْکَلِی (ج ۳، ص ۸۰) و محسن امین (ج ۷، ص ۱۹۲)، با استناد به کتاب تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر (ج ۲۰، ص ۲۱۰-۲۱۱)، آورده‌اند که سراقه محضر پیامبر را درک و در جنگ یرموک شرکت کرده بود؛ حال آنکه این اطلاع درباره سراقه راوی حدیث و پدر عبدالاعلی بن سراقه آزدی است. سراقه به سبب تعصبات قبیله‌ای از یمنیان دفاع می‌کرد. او در سال ۶۶، در صفوف یمنیان در برابر مختار ثقفی* در جنگی